

گفت‌وگو با پزشکان نمونه سازمان تأمین اجتماعی

نشان دادن لبخند بر لبان بیماران، سهم ما از پزشکی است

گزارش

از دیرباز نام پزشک در فرهنگ ایران اسلامی از یک سو با دانش و حکمت آمیخته و از سوی دیگر با فضیلت‌های اخلاقی؛ خاصه آنجا که در ادبیات دینی، همنشین مفاهیم والایی همچون «شافی» شده و نام خدایی که اسمش دوا و ذکرش شفاست، سایبان وجود انسان‌های ایثارگری می‌شود که در متن فرهنگ و حیات اجتماعی مردمان این مرز و بوم از جایگاه ویژه و اهمیتی والا برخوردارند. جایگاه پزشک در تاریخ معاصر ایران با تلاش خستگی‌ناپذیر مردان و زنانی فرزانه و متعهد که در هشتست سال دفاع مقدس، مر دانه کنار رزمندگان ایستادند و مر هم زخم‌ها و آلام‌شان و در مقطع شیوع بیماری همه‌گیر کرونا نیز جان در طبق اخلاص نهادند و مدافع سلامت ملت شدند، گره خورده است. به بهانه روز پزشک، با دکتر قاسم ریخته‌گری‌ها، پزشک عمومی از استان سیستان و بلوچستان، دکتر زهره استاد چینی‌گر، متخصص داخلی از استان خوزستان و دکتر مر ترضی ملاجعفری، متخصص طب اورژانس از استان تهران که در سال ۱۴۰۰ به عنوان پزشکان نمونه سازمان تأمین اجتماعی انتخاب شده بودند، به گفت‌وگو نشستیم.

سال است که در همین حوزه مشغول به خدمت هستیم. وی درباره وضعیت مالی بیماران که به او مراجعه می‌کنند، اظهار می‌دارد: «چون در بیمارستان تأمین اجتماعی هستم اکثر مراجعان وضعیت مالی خوبی ندارند؛ حتی من هنگام تجویز دارو با احتیاط این کار را انجام می‌دهم.» از او درباره بهترین احساسی که در دوران پزشکی داشته است می‌پرسیم که می‌گوید: «وقتی می‌توانم بیمارانم را به درستی هدایت کرده و درمان کنم برایم بسیار خوشایند است. به عنوان مثال یکی از مراجعان من که مرد سالمندی بود، یک شعر یک صفحه‌ای سرود که برای من بسیار با ارزش بود و باعث خوشحالی من شد.»

استاد چینی‌گر از اوقاتی که مشغول گرفتن تخصص بود به عنوان سخت‌ترین لحظات زندگی‌اش یاد می‌کند و می‌گوید: «زمانی که تخصص می‌خواندم، بعد از سه ماه و نیم تشخیص اوتیسم برای پسرم داده شد و بشدت بی‌قرار بود. من یک شب در میان کشیک بوم و شیفت داشتم. همسر من نیز ناچار بود به تنهایی آن شب‌ها را از پسر مراقبت کند. زمانی که از سر کار برمی‌گشتم به قدری خسته بودم که احتیاج به استراحت داشتم و پسرم احتیاج به رسیدگی داشت. آن روزها برایم بشدت روزهای سختی بود، خاطر م هست که سال اول روز بدنتی هم بودم.»

بیمارستان؛ خانه خودمان است

دکتر ملاجعفری نیز درباره ماجرای پزشک شدنش می‌گوید: «به علت علاقه شخصی خودم و اینکه دایی‌ام به عنوان پزشک وارد جامعه پزشکی شده بود، انگیزه‌ای برای ما شد تا جایی که اکنون حدود ۱۵ پزشک در خانواده داریم.»

وی می‌افزاید: «در حال حاضر ۲۸ سال سابقه کاری دارم. در مشهد درس خواندم و بعد از فارغ التحصیلی به شهر خودم، فیروزکوه برگشتم و آنجا رییس در مانگاه تأمین اجتماعی و سپس رییس شبکه بهداشت و درمان و رییس بیمارستان امام خمینی (ره) فیروزکوه بودم. با ۱۸ سال سابقه مدیریتی به تهران آمدم و دیگر تمایلی به مدیریت نداشتم و در حال حاضر در بیمارستان شماره ۲ فیاض‌بخش به عنوان پزشک در اورژانس مشغول به کار هستم.»

این متخصص طب اورژانس درباره وضعیت مالی مراجعان می‌گوید: «از آنجا که بیمارستان شهید فیاض‌بخش، بیمارستان جامعی است و تمام تخصص‌ها را دارد، از همه اقشار مراجعه‌کننده داریم، محدودیتی برای پذیرش وجود ندارد و همه نوع بیماری داریم.»

وی در پاسخ به اینکه آیا از خدمت در بیمارستان تأمین اجتماعی راضی هستید، می‌گوید: «بله، یک قسمت از زندگی‌امست و از جهاتی مانند خودمان است.»

ملاجعفری با اشاره به اینکه بیماران را باید همیشه و در همه حال، به یک شکل دید و با دقت ویزیت کرد اظهار می‌کند: «البته در تأمین اجتماعی تعداد بیماران بسیار زیاد است. با این حال پزشک باید در کارش دقت لازم را داشته باشد و خستگی باعث نشود که بیمار را فراموش کند. بر خورد و رابطه دوستی با بیمار و همدردی با او باعث می‌شود تا به پزشک اعتماد کند. جوان‌هایی که فارغ التحصیل می‌شوند این توصیه را گوش فرا دهند که بیماران را با توجه به موقعیت مکانی و موقعیت مالی آنها ویزیت نکنند و همه را به یک چشم ببینند. باید برای بیماران سنگ تمام گذاشت.» این پزشک درباره بهترین احساسی که در دوران پزشکی داشته می‌گوید و می‌افزاید: «احساسی که برای من تکراری است و هر بار اتفاق می‌افتد، زمانی است که بیمار ما شرایطش بهتر می‌شود و ما باز خورد خوب از بیمار می‌گیریم. برای من بهترین احساس است و باید پزشک باشی تا این را متوجه شوی. این احساس زیبا یک هدیه خدایی است که هر بار تکرار می‌شود. حس سلامت و لبخند رضایت بیمار بهترین حس زندگی است.»

وی با اشاره به جایگاه ارزشمند پزشکان در جامعه، می‌گوید: «پزشکان جایگاه خود را می‌دانند و بر این موضوع واقفند که این جایگاهی به راحتی به دست نمی‌آید. البته از سوی دیگر باید گفت موقعیت پزشکان از حیث شرایط اقتصادی به خوبی برای مسئولان تعریف نشده است. درصد کمی از پزشکان درآمد عالی دارند، اما عمده پزشکان اینگونه نیستند و شرایط اقتصادی خوبی ندارند، اما علاقه ما به کار و احساس رضایت و باز خورد خوبی که از بیمار می‌گیریم اهمیت مسائل اقتصادی را برای ما کم رنگ‌تر می‌کند؛ بنابراین ما به دنبال گلا به نیستیم.»



این مشکل در سطح جهان حل‌شود.

این پزشک درباره علت انتخابش به عنوان پزشک نمونه تأمین اجتماعی در سال گذشته می‌گوید: «انتخاب من بیشتر از لطف مدیران استان بود تا لیاقت خودم. من کار خاصی نکردم که مورد تشویق قرار بگیرم. اکثر کادر درمان در مراکز درمانی به لطف خدا صادقانه و دلسوزانه در حال انجام وظیفه هستند و بسیار بیشتر و مفیدتر از من خدمت می‌کنند.» وی از جایگاه و منزلت پزشکی در جامعه می‌گوید و تأکید می‌کند: «پزشکی یک حرفه نیست، یک عشق است. مردم طرف حساب اطباء نیستند بلکه طرف حساب اصلی خداوند متعال است. خداوند، ضامن این عزت و کرامت است. عزت و ذلت در دستان اوست. اگر جامعه به اطباء احترام می‌گذارد از لطف خدا و دلسوزی این عزیزان است؛ هر چند ممکن است تعدادی هم این وظیفه را با نگاه دیگری بنگرند.» ریخته‌گرها می‌افزاید: «به عنوان فرزند کوچک این کشور باید بگویم در هر کاری باید انسان خودش را جای ارباب رجوع قرار دهد تا بتواند همدرد آنها شود. همه ما در حال امتحان هستیم؛ چه بدائیم و چه ندانیم. هر فرصتی که برای خدمت به ما داده می‌شود، عنایت خداوند متعال است. این فرصت‌ها مانند ابر در گذردن و اگر استفاده نکنیم زیان کار خواهیم بود.»

حضورم در تأمین اجتماعی مفیدتر است

دکتر استاد چینی‌گر، متخصص داخلی نیز با بیان اینکه با هدف پزشک زنان شدن، درس خواندن را شروع کردم، می‌گوید: «آن سال هاتر حاضری بود. یک روز در میان در بیمارستان شیفت بوم و روز بعد سر کلاس درس حاضر می‌شدم. روزها به سختی سیر می‌شد؛ حتی زمان برای غذا خوردن و نماز خواندن نداشتم. به قدری این سختی‌ها زیاد بود که متأسفانه از بخش زنان منجر شدم و هفتم را گم کردم و مدت‌ها به عنوان پزشک عمومی مشغول به کار بودم تا اینکه در مسیر فعلی افتادم. ۱۲ سال مسئولیت‌های مختلف در سازمان تأمین اجتماعی داشتم و در نهایت تخصص داخلی گرفتم.» او احوالاتش در دوران پیک کرونا را نیز اینگونه توصیف می‌کند و می‌گوید: «از ساعت شش صبح تا سه بعدازظهر شروع به کار می‌کردیم و فقط یک ساعت وقت استراحت داشتیم و بعد تا سه صبح مشغول بودیم و تا پنج صبح استراحت می‌کردیم و دوباره کار شروع می‌شد. خودم هم چهار بار به کرونا مبتلا شدم.» این پزشک می‌افزاید: «در حال حاضر در سازمان تأمین اجتماعی اهواز و یک کلینیک مشغول به کار هستم. هیچگاه مطب شخصی نداشتم. عقیده‌ام این بود که حضورم در بیمارستان‌های تأمین اجتماعی مفیدتر است و می‌خواستم کاملاً در اختیار بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی باشم و وقت و زمانم را در جای دیگری صرف نکنم. من ۲۷

باشد. سختی‌های شغل پزشکی زیاد و شب‌بیداری‌ها و شیفت‌های طولانی دارد و پراسترس است. دانشجویان پزشکی باید بدانند این رشته‌ای نیست که بخواهند آن را با پول بسنجند.»

این پزشک می‌افزاید: «به نظر من، شخصی که وارد این رشته می‌شود خوب است که از ابتدا این اعتقاد را در خود به‌روراند که برای خدمت به هموع خود وارد این شغل شده و روزی‌اش را خداوند متعال عنایت می‌کند و این را بداند که با خدا معامله می‌کند و طرف او، انسان‌ها نیستند.»

وی درباره سخت‌ترین لحظاتی که در دوران پزشکی‌اش گذرانده نیز عنوان می‌کند: «ممکن است باعث خنده شما شود، اما من هنوز از استرس امتحاناتم از خواب بیدار می‌شوم. آن روزها به قدری برایم سخت بود که بعد از گذشت ۲۹ سال هنوز استرس امتحاناتم را دارم و گاهی شب‌ها خواب می‌بینم که امتحانی دارم و نتوانستم برای امتحان آماده شوم و درس بخوانم!»

ریخته‌گرها ادامه می‌دهد: «ما پزشکان باید دائم در حال مطالعه باشیم؛ چرا که باید اطلاعات ما به‌روز باشد. بیمارانی داریم که وضعیت خوبی ندارند و باید احیاشوند و نجات پیدا کنند، در آنجا انسان مستأصل می‌شود و احساس می‌کند که در مقابل عظمت و بزرگی خداوند چقدر کوچک و ناتوان است. من فکر می‌کنم استرس نجات بیماران بد حال برای رشته‌های پزشکی همیشه وجود دارد و هیچ وقت کم نمی‌شود.» او درباره بهترین احساساتی که در دوران پزشکی داشته نیز اینگونه سخن می‌گوید: «همیشه برای هر کسی باز خوردی که از طرف مقابل می‌گیرد، بهترین احساس است. وقتی شاهد این بودم کودک که چند سال در گیر یک بیماری بوده و او را نباورده و به درمانش بی‌توجهی شده بود اما با صحبت، راهنمایی و گفت‌وگو با خانواده در کنار دارویی که دریافت می‌کرد بهبود یافت و جزو بهترین لحظاتم بوده است. پزشکی تنها رشته‌ای است که نمی‌توان فقط با دارو مردم را درمان کرد و باید با آنها هم دردی انجام داد و نسبت به بیماری‌اش آگاهی داد.»

ریخته‌گرها می‌افزاید: «به نظر من همدردی یک اصل مهم در درمان است.» وی به روزهای سختی کرونایی در دو سال گذشته نیز اشاره و عنوان می‌کند: «در دوران کرونا، چاه‌بار بودم و ما روزانه ۶۰۰ بیمار داشتیم. ما در آنجا تقریباً هفت پزشک و یک کادر ۲۰ نفری بودیم و ۲۰ نفر از ما در این دوره گرفتار کرونا شدیم، اما شکر خدا با درمان و کنترل‌هایی که داشتیم توانستیم از بیماری عبور کنیم. زمانی می‌شد که یک پزشک در شیفت صبح ۲۰۰ تا ۳۰۰ مریض و یک نفر نیز بعدازظهر و با همین حجم از بیمار را ویزیت می‌کردند. روزهای سختی بود؛ هم برای مردم و هم برای کادر درمان. حال کمی شرایط بهتر شده و امیدواریم مردم همچنان دستورالعمل‌های بهداشتی را عایت کنند و

دفاع از وطن؛ از خاکریز تا دانشگاه

دکتر ریخته‌گرها، اهل سیستان و بلوچستان است و حکایت انتخاب شغل پزشکی و ماندگار شدنش در این حرفه را اینگونه روایت می‌کند: «زمان جنگ بود و نیاز کشور به کادر درمان و خدمت به رزمندگان بود؛ تحصیل و رفتن به دانشگاه و گرفتن کار و شغلی که بتوانم مثبت باشم و احساس آرامش داشته باشم با کمک به هموطنانم اولویت بود. اولین چرخه زندگی من با همین فکر آغاز شد و در دوره‌ای که خود نیز در جبهه بودم این نیاز را احساس کردم.»

او در پاسخ به این سؤال که آیا از خدمت در بیمارستان تأمین اجتماعی راضی هستید؟ می‌گوید: «شکر خدا بله. من هفت سال نیروی پزشک تأمین اجتماعی بوم و در ایرانشهر و چابهار خدمت کردم و خوشحالم که توانستم از دوستان و همکارانم نکاتی بیاموزم. من همچنین عملکرد بیشتری را نسبت به بیمارستان‌های دیگر شاهد بودم.»

ریخته‌گرها درباره وضعیت مالی بیماران که مراجعه می‌کنند، اظهار می‌دارد: «به طور کلی در مراکز که کار کردم، چه در مانگاه و چه بیمارستان، برای کسانی که دفترچه بیمه داشتند همه خدمات به صورت رایگان بود. آنها عموماً از طبقات پایین جامعه بودند، اکثراً یا کشاورز یا کارگرانی بودند که روی لنج کار می‌کردند و یا کارگران کارخانجاتی بودند که دولت در جنوب شرقی کشور احداث کرده بود. بخشی نیز از طبقات متوسط جامعه بودند و بیماران از طبقه مرفه بسیار کم به چشم می‌خورد و عموماً افراد متوسط روبه پایین بیماران ما بودند.»

این پزشک از سطح زندگی خود در شغلی که دارد راضی است و تأکید می‌کند: «البته همه چیز نسبی است و هیچ چیز قطعی و کامل نیست غیر از وجود خدا. امیدوارم برای تمام همکارانم که در این رشته کار می‌کنند آرامشی ایجاد شود تا بتوانند بیشتر به جنبه خدمتی پزشکی نگاه کنند تا به مسائل مالی.»

ریخته‌گرها ادامه می‌دهد: «اکنون جوانان وقتی می‌خواهند وارد دانشگاه شوند، رشته‌هایی را مدنظر قرار می‌دهند که درآمد بیشتری داشته باشد و به این دلیل که این انگیزه از ابتدا در دانشجو به شکل دیگری تعریف می‌شود آن انتظاری که از نسل‌های قبلی داشتیم از پزشکان این دوره نباید داشته باشیم؛ چون نسبت به زمان ما با نگاه مادی‌تر و اقتصادی‌تری وارد جامعه می‌شوند.»

وی در ادامه می‌گوید: «رشته پزشکی، رشته‌ای نیست که انسان بخواهد با پول آن را بسنجد و اگر بخواهیم با پول بسنجیم ضرر کرده‌ایم؛ زیرا هم جوانی‌مان را می‌گذاریم پای این رشته که استرس بیشتری نسبت به شغل‌های دیگر دارد گذاشته‌ایم و هم شاید در مقایسه با شغل‌های آزاد دیگر مانند ساخت‌وساز درآمد کمتری داشته

فهیمة اسماعیلی

روزنامه‌نگار

احساسی که برای من تکراری است و هر بار اتفاق می‌افتد، زمانی است که بیمار ما شرایطش بهتر می‌شود و ما باز خورد خوب از بیمار می‌گیریم. برای من بهترین احساس است

خبر

سرپرست بیمارستان امام حسین (ع) زنجان تشریح کرد

ارائه خدمات بستری رایگان به ۳ هزار بیمار کرونایی

سرپرست بیمارستان تأمین اجتماعی امام حسین (ع) زنجان، خدمات این مرکز درمانی را در شیوع کرونا به عنوان درخشان‌ترین دوران فعالیت بیمارستان عنوان کرد و گفت: در این مرکز بیش از ۳ هزار نفر از خدمات بستری در دوران کرونا بهره‌مند شده‌اند.

بایک رضایی در گفت‌وگو با آتی‌نو با بیان اینکه یکی از درخشان‌ترین کارهایی که در بیمارستان انجام شده در دوره کرونا بود، افزود: «در مدت شیوع کرونا حدود ۳ هزار و ۲۴۱ مورد بستری در این بیمارستان انجام شد که در مقایسه با تعداد هزار و ۸۰۰ تخت بستری در کل استان، آمار قابل قبولی است؛ حتی می‌توان گفت بالاتر از ظرفیت کمک شده است.»

وی اظهار کرد: «در آن زمان که به عنوان مسئول گروه داخلی مشغول به فعالیت بوم برای مراقبت بهتر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹، بخش (post CCU) تبدیل به (ICU) شد و با وجود تعداد کم متخصص و نداشتن دستیاران تخصصی و متخصص عفونی ثابت به بهترین نحو خدمت‌رسانی کردیم.»

سرپرست بیمارستان امام حسین (ع) زنجان گفت: «در بخش سرپایی نیز بیمارستان مادر پذیرش بیماران کرونا بسیار قوی عمل کرد و بار سنگینی را از دوش دانشگاه و مراکز درمانی برداشت. این خدمت‌رسانی هنوز هم ادامه دارد و در پیک هفتم هم نهایت تلاش را برای پذیرش و درمان این بیماران انجام می‌دهیم.»

رضایی بخش زنان این مرکز درمانی را نقطه عطف فعالیت این مرکز برشمرد و ادامه داد: «در یک دوره زمانی، دانشگاه علوم پزشکی استان فاقد بخش زنان بود و تمامی بار درمان زنان و زایمان بر دوش تأمین اجتماعی قرار داشت.»

وی تصریح کرد: «حدود ۲۰ سال قبل بیمارستان تأمین اجتماعی «حکیم هیدجی» تنها بیمارستان زنان استان به شمار می‌رفت و خدمات این مرکز پاسخگوی نیازهای درمانی گروه زنان بود. سپس بیمارستان دانشگاهی، بخش زنان و زایمان را راه‌اندازی کرد و مقداری از بار مراجعه‌کننده‌های تأمین اجتماعی کاسته شد. اما بخش زنان بیمارستان امام حسین (ع) که ادامه فعالیت حکیم هیدجی است، به صورت فعال‌تر مسیر خود را طی می‌کند و تنها در یکی دو سال اخیر کمی از بار خدمات این مرکز کاسته شده است.» سرپرست بیمارستان امام حسین (ع) زنجان، تجهیزات و امکانات بیمارستان را مناسب و قابل قبول توصیف کرد و افزود: «برنامه ارتقاء تجهیزات بیمارستانی را در دست اقدام داریم اما مشکل عمده به بودجه‌بازی می‌گردد و در صورت تأمین منابع، در نظر است تا تجهیزات آندوسکوپی و رادیولوژی تکمیل و پشتیبانی شود. همچنین نیازمند خرید یک دستگاه (MRI) هستیم که برای انجام آن علاوه بر بودجه، ضرورت جذب نیروی رادیولوژیست نیز وجود دارد.»